

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۸

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷

وجه جمع فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف با عدم جواز اباحی گری

یدالله حاجی زاده^۱

چکیده

فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف امری است که در روایات گوناگون به عنوان یکی از علائم ظهور به آن اشاره شده است. از طرفی در آموزه های دینی به کسی اجازه بی عدالتی، فساد و به تعبیری اباحی گری داده نشده است. سوالی که همواره ذهن برخی را به خود مشغول کرده و پژوهش حاضر تلاشی است در جهت پاسخ گویی به آن، این است که با توجه به رواج ظلم و فساد در آستانه ظهور، چگونه می شود هم به دستورات دینی پای بند بود و هم جزء منتظران ظهور بود؟ توجه به آیات قرآن و واکاوی منابع حدیثی و تحلیل محتوایی آنها و توجه به دیدگاه های اندیشمندان نشان می دهد، در آموزه های دینی به هیچ کس اجازه ظلم، بی عدالتی، فساد و اباحی گری و یا به تعبیری بی توجهی به دستورات دینی در هیچ زمانی داده نشده است. ضمن این که فراگیر شدن ظلم و ستم هم نمی تواند به این معنا باشد که دین داران به منظور سرعت بخشی به امر ظهور، مجازند در گسترش ظلم و فساد نقش داشته باشند چرا که فراگیری ظلم و بی عدالتی از علائم و نشانه های ظهور (نه شرایط) است و این فراگیری لزوماً به معنی عدم وجود انسان های صالح (هر چند اندک) نیست.

واژگان کلیدی:

حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ظهور، ظلم، فساد، اباحی گری، آموزه های دینی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (y.hajizadeh@isca.ac.ir).

ظهور منجی موعود، آموزه‌ای است که تقریباً در همه ادیان آسمانی به آن اشاره شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۸؛ الیهیئة العلمیة فی مؤسسة المعارف الاسلامیة، ۱۴۲۸: ج ۱، ۲۷-۷۷) با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان از عدالت و صلح و امنیت برخوردار خواهد شد و بشریت تجربه حکومتی آرمانی را پیش رویش خواهد دید. روایات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در آستانه این حکومت فراگیر، جهان از ظلم و بی‌عدالتی و احیاناً فساد پیر می‌شود.^۱ از طرفی در آموزه‌های دینی ظلم و بی‌عدالتی و فساد به شدت مورد نهی قرار گرفته و پیشوایان دینی همواره با اباحی‌گری و بی‌بندوباری مبارزه کرده‌اند. بنابراین سوالی که همواره مطرح بوده این است که این پارادوکس را چگونه می‌توان حل کرد؟ آیا به منظور تسریع در ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باید با ارتکاب ظلم و فساد، به این روند کمک کرد؟ آیا نباید کسی را نهی از منکر کرد و نباید در راه خدا جهاد کرد تا ظلم و فساد جهان را فراگیرد؟ و یا این که آموزه‌های دینی به هیچ روی به ما چنین اجازه‌ای را نداده است؟ از طرفی اگر ما به گسترش ظلم و فساد کمک نکنیم آیا زمان ظهور به تعویق نمی‌افتد؟

بنابراین یکی از چالش‌هایی که همواره در بحث مهدویت وجود داشته این است که برخی از منتظران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این باور را مطرح کرده‌اند که جهت فراهم ساختن مقدمات ظهور باید گناه و ظلم و بی‌عدالتی در جامعه زیاد شود. اینان گاه با این توجیه که «هدف وسیله را مباح می‌کند»، می‌گویند افراد مجازند اهل گناه، ظلم و فساد باشند تا به واسطه ظلم و بی‌عدالتی و گناه انفجاری رخ دهد و منجی‌ای برای نجات برسد. امام خمینی رحمته الله علیه در یکی از سخنان خویش به این برداشت اشاره دارد:

يك دسته‌ای می‌گفتند باید عالم پراز معصیت بشود تا حضرت بیایند، ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هرکاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود. (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۶۱: ج ۲۰، ۶۹۱)

شهید مطهری رحمته الله علیه نیز به وجود این تفکر انحرافی در میان برخی از شیعیان اشاره کرده و آن را برداشتی قشری که در میان برخی از مردم رواج دارد، معرفی کرده است. استاد مطهری در توضیح این نوع انتظار می‌فرماید:

۱. فراوانی تعبیر «كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» در این روایات نشان‌دهنده همین امر است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۵؛ احمدبن حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱۷، ۴۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۳)

برداشت قشری مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود علیه السلام این است که، صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها، تباهی‌ها ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است، که معلول پریشان شدن است. آن‌گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان گردد... این انفجار رخ می‌دهد، و دست غیب برای نجات حقیقت - نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد - از آستین بیرون می‌آید. علی‌هذا هر اصلاحی محکوم است... بر عکس هر گناه و هر فساد و هر ظلم و تبعیضی و هر حق‌کشی و هر پلیدی به حکم این که مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می‌کند رواست... پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۵۳)

این پژوهش جهت واکاوی درستی یا نادرستی این باور و این نظریه سامان یافته است. درباره پیشینه این موضوع باید گفت شهید مطهری در کتاب **قیام و انقلاب مهدی علیه السلام**، ذیل عنوان «انتظار ویرانگر» این تفکر را به عنوان یک تفکر انحرافی به نقد کشیده است. ایشان ضمن اشاره به یک نوع از انتظار که آن را انتظار ویرانگر و فلج کننده می‌نامد، آن را نوعی اباحی‌گری می‌داند، و همان‌گونه که اشاره شد، به نظریه ماهیت انفجاری قیام مهدی علیه السلام اشاره کرده و معتقد است براساس این برداشت، قیام مهدی علیه السلام در زمانی خواهد بود که ظلم و تبعیض و اختناق و حق‌کشی و تباهی به نهایت خویش برسد به گونه‌ای که حق هیچ طرفداری نداشته باشد. در ادامه این تصور را برداشتی قشری می‌داند و سپس این باور را عکس برداشتی می‌داند که قرآن کریم و روایات به آن اشاره دارند. ایشان در ادامه با استناد به برخی از آیات قرآن و روایات اثبات می‌کند که ماهیت قیام آن حضرت انفجاری نیست و وجود انسان‌های صالح و یا مظلوم در هنگام ظهور با چنین برداشتی در تضاد است. (مطهری، ۱۳۸۵: ب: ۵۳-۵۹) همین مباحث در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار علیه السلام نیز به طور خلاصه آمده است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۷۸-۱۸۱) علاوه بر این، مقاله‌ای تحت عنوان «مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری» در مجله **قیسات** شماره ۳۳ به چاپ رسیده که نویسنده در بخشی از این مقاله (کمتر از پنج صفحه) تلاش کرده از منظر شهید مطهری به این سوال پاسخ دهد که اگر شرط ظهور پر شدن جهان از ظلم است، آیا تلاش‌های اصلاحی ما ظهور را به تعویق نمی‌اندازد؟ در این مقاله همانند آنچه در کتاب قیام و انقلاب مهدی علیه السلام آمده، دیدگاه کسانی که از ماهیت انفجاری قیام مهدی علیه السلام سخن گفته‌اند به نقد کشیده شده است.

در مقاله دیگری که تحت عنوان «رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه» و به قلم عباس گوهری و محسن دیمه کارگراب نوشته شده، ذیل برخی از عناوین همانند «اجتناب از گناهان» و «انجام اعمال صالح» در کمتر از دو صفحه به طور غیر مستقیم تفکری که به فراگیر شدن ظلم و فساد اشاره دارد، نقد شده است. به جز این ها در برخی از کتاب هایی که پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جریان مهدویت نوشته شده، خصوصاً کتاب هایی که درباره انجمن حجتیه نوشته شده، اشاره وار این باور انحرافی ذکر شده و به صورت مختصر نقد شده است.^۱

بنابراین به نظر می رسد تاکنون مقاله ای که با تمسک به اصول و مبانی دینی، تفکر جواز ظلم و فساد در آستانه ظهور را مورد نقد و ارزیابی قرار داده باشد، نوشته نشده است و نوشتار حاضر تلاش می کند این خلأ را هر چند به صورت ناقص پر کند.

روایات مشعر به فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور

در این که در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را ظلم و بی عدالتی و گناه و فساد فرا می گیرد و با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت و خوبی جایگزین ظلم و فساد می شود، تقریباً شکی نیست. شهید صدر در تاریخ غیبت کبری اشاره دارد:

فساد و تباهی مردم در این زمان از مسلمات روایات است. (صدر، ۱۳۸۲: ۲۳۲)

آیت الله مکارم شیرازی نیز می نویسد:

نخستین نشانه ای که با مشاهده آن می توان نزدیک شدن هر انقلابی از جمله این انقلاب بزرگ (انقلاب جهانی) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیش بینی کرد، گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دیگران و انواع مفسد اخلاقی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۶۰)

منابع حدیثی و غیر حدیثی شیعه و اهل سنت روایات زیادی خصوصاً از پیشوایان دینی در این زمینه نقل کرده اند. شیخ حر عاملی ذیل عنوان «أحادیث المهدی یملاً الأرض قسطاً و عدلاً من كتب أهل السنة» ۲۷ حدیث در این زمینه از منابع اهل سنت نقل کرده است. (عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۲۶۸-۲۷۷) شوشتری نیز در *حقاق الحق* ذیل عنوان «المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یملاً الأرض

۱. در مواردی حتی برخی از کتاب ها که انتظار می رفته این باور در آنها مطرح شود و اگر نقدی بر آن وارد است نقد شود، چنین انتظاری برآورده نشده است. به عنوان نمونه در کتاب راهبرد اخلاق انتظار نوشته بهروز محمدی منفرد به جز اشاراتی پراکنده و غیرمستقیم مطلب خاص دیگری در نقد این باور انحرافی نیامده است. (محمدی منفرد، ۱۳۹۶)

قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا» - به تفکیک روات - احادیث زیادی در این باره از منابع مختلف نقل کرده است. (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۱۳، ۱۳۲ به بعد؛ محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۷، ۲۶۲-۲۸۶)

در یکی از این روایات، ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند: قیامت برپا نمی شود مگر این که زمین از ظلم و دشمنی پر می شود و در این زمان مردی از خاندان من زمین را همان گونه که از ظلم و ستم پر شده از قسط و عدل پر می کند. (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۸؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۶۷)

در روایات سایر پیشوایان دینی نیز به فراگیر شدن ظلم و بی عدالتی اشاره شده است. به عنوان نمونه در گفت و گوی امام رضا علیه السلام با دعبل خزاعی، به همین مطلب اشاره شده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۷۳-۳۷۴؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ۲۹۷) در توقیع حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه التریف خطاب به علی بن محمد سمری آخرین نایب خاص خویش نیز به فراگیری ظلم در آستانه ظهور اشاره شده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۳۹۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۷۸)

در برخی از روایات نیز به «فساد» در آستانه ظهور اشاره شده است. بر اساس روایتی که ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده در آستانه ظهور، ستم و فساد زیاد می شود. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۵۱؛ حلی، ۱۴۲۴: ۲۴۹)

در روایات دیگری از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ به این سوال که حضرت قائم علیه السلام چه زمانی ظهور می کند، به فراگیر شدن فساد و بی بندوباری اشاره شده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۳۱؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۹۱؛ عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۹۸؛ صافی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۱۱۵) و در روایت طولانی دیگری که کلینی در کافی از امام صادق علیه السلام نقل کرده به رواج فساد و بی بندوباری در آستانه ظهور تأکید شده است. در این روایت به بیش از ۳۰ مورد از مصادیق فساد و اباحی گری که عمده آنها مفاصد اخلاقی و شراب خواری است، اشاره شده است. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸، ۳۷)

مخالفت اصول و مبانی دینی با ظلم، فساد و اباحی گری

در دین اسلام و به طور کلی در همه ادیان آسمانی اصول، مبانی و قواعدی وجود دارد که توجه به این اصول و مبانی و پای بندی به آنها سبب می شود هر گونه تفکری که احیاناً بی اعتنایی به دین و اباحی گری را به ذهن متبادر کند، نادرست تلقی شود. شاید بتوان گفت از

منظر فقهی این اصول و قواعد حاکم بر هر امر دیگری هستند. بنابراین به راحتی نمی‌توان از آنان دست برداشت و به بهانه نزدیک کردن امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را زیر پا گذاشت. در ادامه تلاش می‌شود به مهم‌ترین موارد در این زمینه اشاره شود.

همیشگی بودن تکالیف دینی

یکی از اصول و مبانی دینی این است که تکالیف دینی مقطعی نیستند. وظیفه‌ای که به صورت همیشگی بر عهده دین‌داران گذاشته شده، عمل به دستورات دینی است. به تعبیری احکام و اصول بنیادین اسلام که در آموزه‌های قرآنی و روایی ریشه دارند، تکلیف مردم را در برابر هرگونه ستم، تجاوز، بی‌عدالتی، فساد و تباهی، و ناهنجاری‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها مشخص کرده‌اند. بنابراین کسی نمی‌تواند بی‌اعتنا به ستم و تجاوز و بی‌عدالتی باشد. بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام تمامی امور حلال و حرام تا روز قیامت همین حکم را دارند. (صفار، ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۴۸؛ کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۵۸) براساس این روایت می‌توان گفت هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه نزدیک تر ساختن امر ظهور دست به فساد و اباحی‌گری بزند. شهید مطهری ضمن اشاره به همین روایت می‌گوید:

... انتظار ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ تکلیفی را از ما ساقط نمی‌کند، نه تکلیف فردی و نه اجتماعی... و بر عکس، دلیل بر همیشگی بودن تکالیف داریم. (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۵۴)

بنابراین تکالیف شرعی (جز در برخی از موارد استثنایی) مشروط به هیچ شرطی نیستند و در همه حال باید انجام شوند، چه موجب تسریع در ظهور شوند یا تاخیر در آن و کنار گذاشتن آیات و روایات بی‌شماری که ما را به عمل به وظایفمان سفارش کرده‌اند و روی آوردن به ظلم و ستم و فساد و اباحی‌گری به بهانه تعجیل در فرج، امر پسندیده‌ای نیست.

مخالفت آموزه‌های دینی با اباحی‌گری

یکی از بزرگ‌ترین انحرافات که تقریباً تمامی آموزه‌های دینی با آن مخالفند، اباحی‌گری و بند وباری است. اباحه در اصطلاح معمولاً بر افعال سهل‌انگارانه اخلاقی که منع شرعی و عرفی دارد اطلاق می‌شود. (یوسف‌پور، ۱۳۸۰: ۲۹۷) برخی گفته‌اند در مباحث اخلاقی و کلامی، اباحه عبارت از مباح یا جایز شمردن کارهای حرام (محرمات دینی) است و در نتیجه «اباحی‌گری»^۱ یک روحیه یا طرز تفکر است که به مقتضای آن، انسان به خود حق می‌دهد که

1. Antinomism یا Libdrtinism

نسبت به حدود و ضوابط شرعی بی اعتنا شده و مرزهای حلال و حرام را زیر پا گذارد، لذا به گروه‌هایی که برخی از اعمال خلاف شرع را مباح پنداشته و آن را مرتکب شوند، «اباحیه» گفته می‌شود. (لاشیئی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۳۱۰)

پیشوایان دینی همواره با اباحی‌گری مبارزه کرده‌اند و در رفتار و گفتار خویش بر نادرستی آن تاکید کرده و از پیروان خویش خواسته‌اند در این زمینه همانند آنان باشند. امامان علیهم‌السلام با تفکرات اهل اباحه مبارزه کرده و تلاش کرده‌اند در سیره خویش نادرستی راه و روش اهل اباحه را برای شیعیان و غیرشیعیان بیان کنند.

در آموزه‌های دینی تمامی زیر ساخت‌های فکری منجر به اباحی‌گری همچون «انجام هر کاری بعد از شناخت امام!» (مغربی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۵۳)، «انجام هر کاری بعد از رسیدن به یقین»،^۱ «کافی بودن حب اهل بیت علیهم‌السلام» (احسائی، ۱۴۰۵: ج ۴، ۸۶؛ مجذوب تبریزی، ۱۳۸۷: ج ۱، ۱۰۳)، «انتساب به اهل بیت علیهم‌السلام» (صدوق، ۱۳۷۹: ۱۰۶)، «تکیه بر رحمت خداوند» (ابن کثیر، بی تا: ج ۱۰، ۲۳۴) و «تکیه بر شفاعت» (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۷۶)، به نقد کشیده شده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۴۶۴؛ طوسی، بی تا: ج ۶، ۳۵۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۵۹۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ۵۳۴؛ صدوق، ۱۴۰۳: ج ۲، ۶۱۴) علاوه بر این بر انجام عبادات و ترک گناهان (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۷۳-۴۷۴) و بر نقش عمل در نجات انسان تاکید شده است. (آل عمران: ۱۴۲؛ طلاق: ۱۰؛ اعراف: ۹۶؛ نحل: ۱۱۲؛ نجم: ۳۹؛ زلزال: ۷-۸؛ رعد: ۱۱؛ ملک: ۱؛ رک: نهج البلاغه، بی تا: خطبه ۱۵۰، ۴۹۸) ضمن این که سیره عملی پیشوایان دینی که تا پایان عمر پای بند دستورات شرعی بوده‌اند، همواره در جهت خلافِ باورهای اهل اباحه - که به ساقط شدن تکالیف رای می‌دادند - بوده است.

هدف توجیه‌گر وسیله نیست

برخلاف دیدگاه افرادی چون ماکیاولی^۲ که معتقدند جهت دست‌یابی به هدف از هر وسیله‌ای می‌توان بهره برد، (ماکیاولی، ۱۳۷۵: ۱۰۲) در اسلام و براساس اصول و مبانی اسلامی، جهت دست‌یابی به هدف (هرچند مقدس) از وسیله نادرست و غیرشرعی و غیر اخلاقی نمی‌توان بهره برد. به عنوان نمونه هرچند در اسلام خدعه در جنگ مجاز است اما از غدر - که نوعی بی اخلاقی و نامردی است، (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۲، ۲۳۰)

۱. مغیره بن سعید از جمله کسانی که با تصور این که شناخت خداوند سبب سقوط تکلیف می‌شود، اباحی‌گری را ترویج می‌کرد. «إِذَا عَرَفَ الرَّجُلُ رَبَّهُ لَيْسَ عَلَيْهِ وَزَاءُ ذَلِكَ شَيْءٌ» (صدوق، ۱۳۶۸: ۲۴۶)

۲. اندیشمند ایتالیایی نویسنده کتاب معروف شهریار. (حاجی زاده، ۱۳۸۹: ۱۷۷-۲۰۶)

نمی‌توان بهره برد. (یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ۷۷؛ ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ۶۳۲؛ واقدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۷۵۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ۲۲۶؛ حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۹-۵۲)

شهید مطهری در بحث ابزار پیام رسانی، ضمن رد باوری که معتقد است نتیجه‌ها مقدمات را تجویز می‌کند، به همین نکته اشاره دارد که «اولین شرط رساندن پیام الهی این است که از هرگونه وسیله‌ای نمی‌توان استفاده کرد...» (مطهری، ۱۳۹۲: ۳۱۳) براساس این اصل کلی در آموزه مهدویت و ظهور نیز اگر هدف، ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریف باشد، نمی‌توان با وسیله‌ای نامشروع یعنی گناه و فساد و بی‌عدالتی و به تعبیری اباحی‌گری به استقبال ظهور برویم چرا که در اسلام هدف توجیه‌گر وسیله نیست.

مخالفت اسلام با ظلم و انظلام

در دین اسلام ضمن این‌که همگان از ظلم کردن به دیگران نهی شده‌اند، از تن دادن به ظلم و یا به تعبیری از «انظلام» نیز نهی شده‌اند. (بقره: ۲۷۹) با این توضیح که در مواردی ممکن است کسی علی‌رغم خواسته‌اش مظلوم واقع شود و توان مقاومت نداشته باشد اما در مواردی هم توان دفاع دارد، ولی برای دفاع از حق خویش، کاری صورت نمی‌دهد و زیر بار ظلم می‌رود و به تعبیری انظلام می‌کند یا تن به ظلم می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۸۲) هر دوی این‌ها در اسلام مردود اسلام شده و از همگان خواسته شده ضمن این‌که حق ندارند در هیچ حالی به دیگران ظلم و ستمی روا دارند، حق انظلام را نیز ندارند.

در اسلام حتی اگر کسی در مقام دفاع از اموالش کشته شود، در زمره شهیدان قرار می‌گیرد. (صدوق، ۱۴۰۳: ۶۲۱) بنابراین اگر کسی معتقد باشد: به منظور نزدیک‌تر کردن امر ظهور - چون ظلم و بیدادگری باید فراگیر و زیاد شود - مجازیم که به دیگران ظلم کنیم، به حقوق آنان تجاوز کنیم و یا اگر دیگران به ما ظلم کردند، از حق خومان دفاع نکنیم و ساکت باشیم؛ چنین دیدگاهی با اصل عدم ظلم و انظلام سازگار نیست. در حقیقت پذیرش اصل عدم ظلم و انظلام با ما اجازه نمی‌دهد به منظور فراهم ساختن زمینه‌های ظهور ظلم کنیم یا تن به ظلم دهیم.

نهی از مشارکت در گناهان

اندک توجهی به آیات قرآن کریم نشان می‌دهد گناه و پیروی از هواهای نفسانی، عامل شقاوت و دور افتادن از مسیر الهی (روم: ۱۰؛ مطففین: ۱۲) و جهنمی شدن است. (بقره: ۸۱) در روایات نیز به آثار شوم گناهان اشاره شده است. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۲، ۲۷-۲۷۳؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۰، ۳۳۴ به بعد) بر همین اساس در اسلام مشارکت جوایی و همکاری در گناهان و

بدی‌ها نهی شده و از طرفی اشاره شده که باید در کارهای خیر به دیگران کمک کرد. (مائده: ۲) پذیرش این اصل دینی که از اطلاق نیز برخوردار است و شامل همه زمان‌ها و مکان‌ها می‌شود، به ما اجازه نمی‌دهد که به بهانه فراهم ساختن زمینه‌های ظهور، در ظلم و ستم دیگران مشارکت کنیم و به اشاعه و گسترش آن کمک کنیم.

مسئولیت انسان در برابر جامعه (نهی از منکر)

در آموزه‌های دینی همواره بر این نکته تاکید شده است که انسان‌ها در برابر خود و جامعه مسئولیت دارند و اجازه ندارند نسبت به آنچه در جامعه می‌گذرد بی‌اعتنا باشند. (نساء: ۷۵) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

هر کدام از شما در مورد اجتماع و مردمش مسئولیت دارد. (احمد بن حنبل، بی‌تا: ج ۲، ۵؛ مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۷۲، ۳۸)

به همین جهت همگان وظیفه دارند، ضمن این که خود دستورات دینی را رعایت کنند، دیگران را امر به معروف و نهی از منکر کنند تا عواقب شوم برخی از گناهان دامن‌گیر جامعه نشود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی به تمثیلی اشاره دارد که گروهی سوار کشتی بودند، یکی از مسافران، در جایی که نشسته بود، مشغول سوراخ کردن کشتی شد، دیگران به عذر این که جایگاه خودش را سوراخ می‌کند، متعزّض او نشدند و کشتی غرق شد؛ ولی اگر دستش را گرفته و مانع کارش می‌شدند، هم خود جان به سلامت می‌بردند و هم او را نجات می‌دادند. (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۳، ۱۶۴) این تمثیل به مسئولیت همه انسان‌ها در جامعه اشاره دارد که اگر به این مسئولیت توجه نشود، عواقب برخی از گناهان دیگران، دامن همگان را خواهد گرفت.

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز به عنوان یکی از دستورات دینی از نظر زمانی مقطعی نیست. این حکم با شرایط خاصی که دارد مربوط به تمام زمان‌ها از جمله قبل از ظهور حضرت حجت است:

اوامر اساسی اسلام در جهت امر به معروف و نهی از منکر و نشر اسلام، استثنابردار نیست؛ بنابراین واجبات اساسی اسلام ادامه دارد و احدی نمی‌تواند به بهانه اینکه در علامت ظهور حضرت گفته شده است که زمین پراز جور و ستم خواهد شد ظلم و ستم کند؛ این کار مغالطه‌ای بیش نیست که اگر هر انسان منصفی قضاوت کند این مسئله را قبول نمی‌کند. (یوسفی غروی، ۱۳۹۶)

بنابراین کسی نمی‌تواند با این بهانه که می‌خواهد ظهور را نزدیک کند، از این وظیفه خطیر دینی شانه خالی کند. در سخنان برخی از مراجع آمده است:

بدیهی است اگر ما به گسترش فساد کمک کنیم، از کسانی خواهیم بود که انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، برای درهم کوبیدن و حذف آنان صورت می گیرد!!!... بنابراین به فرض این که با ساکت بودن و به نظاره نشستن و یا کمک کردن به توسعه فساد، ظهور حضرت را پیش بیندازیم، وضع خود را به طور قطع به خطر انداخته ایم. مگر نه این است که حضرت بقیه الله برای کوتاه کردن دست فاسدان و برچیدن بساط محرمات الهی و فسادگری و اصلاح انسان ها و جوامع، قیام می کند؟ (مکارم شیرازی و سبحانی، بی تا: ۲۱۰)

بنابراین به طور کلی می توان گفت اصول و مبانی دینی در هیچ شرایطی به انسان ها اجازه نمی دهد به بهانه نزدیک کردن زمان ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف، به گسترش ظلم و فساد کمک کنند.

وجه جمع «فراگیری ظلم و فساد» با عدم جواز اباحی گری

همان گونه که اشاره شد، اصول و مبانی دینی بر این نکته تاکید دارند که مسلمانان می بایست همواره پایبند به انجام دستورات و فرامین شرعی باشند و اجازه ندارند با هیچ بهانه ای اهل ظلم و فساد و اباحی گری باشند. سوالی که در این بخش مطرح است این است که چه توجیهی درباره روایاتی که در آنها به فراگیر شدن ظلم و فساد اشاره شده وجود دارد و چگونه می توان هم به دستورات دینی پایبند بود و همکاری کرد که ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف نزدیک تر شود و یا حداقل به تعویق نیفتد؟ در ادامه نوشتار تلاش بر این است که این نکته اثبات شود که این دو با یکدیگر منافات ندارند. یعنی هم می توان در آستانه ظهور شاهد گسترش ظلم و فساد در جهان بود و هم با رعایت تقوا و پرهیزکاری در صف متدینان و انسان های صالح و مصلحی بود که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف با حمایت آنان انجام خواهد شد.

ماهیت غیر انفجاری قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

درباره قیام حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف برخی ماهیت قیام آن حضرت را ماهیتی انفجارگونه می دانند. به عنوان نمونه مارکسیست ها با این تمثیل که دمل و غده چرکین هر قدر فسادش زیاده تر باشد، زودتر دهان باز می کند و منفجر می شود، معتقدند در جامعه نیز برای به وجود آمدن انقلاب باید فساد و تباهی را بیشتر کرد. به تعبیری اینان معتقدند:

زلف آشفته اجتماع موجب جمعیت و اتحاد و به هم پیوستگی و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

است، و چون چنین است، پس باید اجتماع را بیشتر بهم ریخت و ظلم و فساد را زیادتیر کرد تا حضرت بیاید؛... اینان می‌گویند تا نارضایتی زیاد نگردد انقلاب به وقوع نمی‌انجامد پس شما ای گروه مارکسیست، به پیش به سوی ایجاد نارضایتی!... رشوه بگیرید و کار نکنید!... تا نارضایتی‌ها اوج گیرد و انقلاب پیروز شود تا گفته مارکس به وقوع بپیوندد! (صدر، ۱۳۸۲: ۱۳۷ به قلم مترجم)

شهید مطهری ضمن این که این تصور، که «قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم حالت انفجاری دارد» را برداشتی قشری و نادرست از ماهیت این قیام دانسته است، در توضیح آن می‌نویسد: برداشت قشری (گروهی) از مردم درباره مهدویت و قیام انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباهی ناشی می‌شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشانی‌ها است... پس بهترین کمک به تسریع در ظهور، ترویج و اشاعه فساد است!... این جاست که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کام‌جویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی. (مطهری، ۱۳۸۵: ب: ۵۴)

سوالی که در این جا هست این است که آیا نمی‌توان ماهیت دیگری را برای قیام‌ها و انقلاب‌ها در نظر گرفت؟ شهید مطهری ضمن طرح این مسئله معتقد است می‌توان برای حوادث تاریخی و انقلاب‌ها، ماهیت دیگری را نیز در نظر گرفت. ایشان معتقد است: ماهیت قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم را به رسیدن یک میوه بر شاخه درخت باید تشبیه کرد نه از قبیل انفجار یک دیگ بخار. درخت هرچه بهتر از نظر آبیاری و... مراقبت گردد و هر چه بیش‌تر با آفاتش مبارزه شود، میوه بهتر و سالم‌تر و احیاناً زودتر تحویل می‌دهد. (همو)

بنابراین تصور این که ماهیت قیام آن حضرت انفجاری است، تصویری نادرست است.

تفاوت شرایط و علائم ظهور

علائم یک پدیده، نشانه‌هایی هستند که تنها، از وقوع یا نزدیکی وقوع آن پدیده خبر می‌دهند و هیچ نقشی در ایجاد آن ندارند. این علائم همانند تابلویی هستند که به عنوان مثال در یک فرودگاه نصب شده‌اند و از ورود قریب الوقوع یک هواپیما خبر می‌دهند و مقصود از علائم ظهور، نشانه‌هایی هستند که تقدیر خداوند بر وقوع آنها در آستانه ظهور تعلق گرفته است. (فلاح، ۱۳۹۶: ۷۸-۱۰۰) اما مقصود از شرایط یک پدیده یعنی پیش‌شرط‌هایی که اگر این پیش‌شرط‌ها محقق نشود، آن پدیده هرگز محقق نخواهد شد.

با توجه به این مقدمه یکی از پاسخ‌های رایجی که به پارادوکس مذکور داده شده و به نظر می‌رسد که پاسخ نسبتاً خوب و قابل قبولی است این است که باید میان شرایط و زمینه‌های ظهور با علائم ظهور تفاوت گذاشت. به تعبیری میان ویژگی‌های اجتماعی هنگامه ظهور با پیش شرط‌های ظهور که لوازم جداناپذیر یک پدیده هستند، تفاوت است. فرق است میان این که بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چون فساد فراگیر شود ظهور می‌کند، با این که بگوییم زمانی که فساد فراگیر است، ظهور خواهد کرد. اگر ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به شرط فراگیر شدن ظلم و فساد و تباهی باشد، باور کسانی که معتقدند باید با گسترش ظلم و فساد، روند ظهور را سرعت ببخشیم درست می‌شود. اما اگر ظهور آن حضرت مشروط به این شرط نباشد، بلکه فراگیر شدن ظلم و فساد، نشانه و علامت ظهور باشد، لزومی بر همراهی و همکاری با ظالمان و فاسدان نیست.

براساس این دیدگاه بین شرایط و زمینه‌های هر پدیده با خود آن نسبت استلزامی و انفکاک‌ناپذیری برقرار است و آن شرایط در شکل‌گیری پدیده، نقش کلیدی دارند. اما نشانه‌ها و علائم یک پدیده، تنها، از وقوع یا نزدیکی وقوع آن پدیده خبر می‌دهند و هیچ نقشی در ایجاد آن ندارند و ممکن است پدیده محقق شود بدون آن که نشانه‌های وعده داده شده برای آن محقق شده باشد. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد:

باید توجه نمود که شرط ظهور امام هرگز منحصر به گسترش فساد در اجتماع انسانی نیست بلکه هرگاه مردم جهان از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند و شایسته رهبری او گردند، در این صورت امام بدون هیچ قید و شرطی ظهور نموده و از پس پرده غیبت بیرون می‌آید. (مکارم و سبحانی، بی تا: ۲۰۹)

یکی دیگر از محققان اشاره دارد:

این باور که می‌گفت باید به شیوع ظلم کمک کرد، از این پندار ناشی بوده که شیوع ظلم، علت ظهور است؛ در حالی که علت ظهور این است که مقدمات ظهور (همان مشخص شدن جبهه حق و باطل و تقویت جبهه حق) آماده شده باشد. برای این که تفکیک مفهوم علامت شی و علت شی بهتر مشخص شود می‌توان از این تمثیل استفاده کرد. فرض کنید در یک ایستگاه قطار، تابلویی درست کرده‌اند که یک دقیقه قبل از ورود هر قطار به ایستگاه، آمدن آن را اعلام می‌کند، و البته بعد از این اعلام، قطار می‌آید. در این جا این اعلام، علامت آمدن قطار است نه علت آمدن قطار، و اگر ما بخواهیم به آمدن قطار کمک کنیم، باید به موتور محرک قطار بیندیشیم، نه به

دست کاری کردن در تابلو مذکور. ما هر قدر تابلو را تغییر دهیم، به خودی خود تأثیری در آمدن قطار ندارد. بحث شیوع ظلم نیز این گونه است. (سوزنچی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۵)

بنابراین شرایط و عوامل ظهور که در اموری چون آمادگی فکری و عملی مردم برای ظهور امام عدالت‌گستر، وجود تعداد یاران کافی، مخلص و فداکار برای آن حضرت و ناامیدی کامل مردم از طرح‌ها و برنامه‌های بشری برای اصلاح وضع جهان خلاصه می‌شوند، با علائم و نشانه‌های ظهور (همانند خروج سفیانی و یمانی و...) که صرفاً نشانه هستند و جنبه آگاهی بخشی دارند، تفاوت دارد. به تعبیری می‌توان گفت فراوانی ظلم و ستم و فساد و تباهی، یکی از ویژگی‌های (علائم و نشانه‌های) دوران آستانه ظهور است و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با فراگیری ظلم و فساد مقارن است.

پیش‌شدن زمین از ظلم و فساد، نه از ظالم و فاسد!

پیش از این اشاره شد که براساس برخی از روایات که شاید بتوان درباره آنها ادعای تواتر کرد، جهان در آستانه ظهور، از ظلم و فساد فراگیر خواهد شد. البته در این میان برخی از محققان با استناد به این حقیقت که در روایات تنها تعبیر «کما ملئت ظلما و جورا» به کار رفته، نه تعبیر «بعد ما ملئت ظلما و جورا»^۱ معتقدند لزومی نیست که پر کردن دنیا از عدل و داد بلافاصله بعد از پیش‌شدن آن از ظلم و جور باشد، چه بسا در دوره‌های گذشته (همانند دوره فراعنه) همه دنیا زیر فشار ظلم و ستم پوشیده شده باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۴۶) شاید این توجیه چندان درست نباشد چرا که فهم عمومی از این روایات این است که فراگیری ظلم و فساد در جهان در آستانه ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است و اگر مقصود از روایات این بود که چه بسا در یکی از ادوار گذشته جهان را ظلم فرا گرفته باشد، دیگر نیازی به ذکر این تعبیر «کما ملئت ظلما و جورا» نبود.

به هر حال با این فرض که بپذیریم جهان را در آستانه ظهور ظلم و فساد فراخواهد گرفت، به نظر می‌رسد روایاتی که در این زمینه آمده - با توجه به مطالب پیش گفته - سیمای جهان را در آستانه ظهور ترسیم می‌کنند. پیش‌شدن زمین از ظلم و فساد لزوماً به معنای این نیست که همه افراد باید اهل ظلم و فساد باشند و همه اعمال آنها در راستای تقویت جبهه ظالمان و

۱. این تعبیر فقط در یک روایت مرفوع آمده است. یَرْفَعُهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ... فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا. (ابن طاووس، ۱۴۰۰: ج ۱، ۱۷۷)

فاسدان باشد. چرا که ممکن است عده‌ای ظالم باشند و ظلم آنان همه جا گسترده باشد. کما این که پر شدن یک اتاق از دود سیگار لازمه‌اش این نیست که همه سیگار بکشند! پر شدن اتاق و تالار نیز - در تعبیر عامیانه و عرفی - به این معنی نیست که هیچ جای خالی‌ای در اتاق و تالار وجود ندارد. در زمان حاکمیت فرعون نیز ظلم و ستم همه کشور مصر را فرا گرفته بود (بقره: ۴۹؛ یونس: ۸۳) اما این گونه نبود که همه مردم ظالم و ستمگر باشند.

به تعبیری می‌توان گفت در روایات تعبیر «ملئت ظالما و جائرا» به کار نرفته است بلکه «مِلْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» به کار رفته و وجود یک ظالم در یک منطقه و حتی در یک کشور می‌تواند فراگیری ظلم را توجیه کند. امروزه مصداق بارز ظالم در جهان اگر در قالب کشوری در نظر گرفته شود می‌تواند آمریکا باشد که با وجود کمی دولت مردانش ظلم آنان در بسیاری از مناطق عالم گسترده شده است. بنابراین چه بسا ظلم و ستم فراگیر، عمدتاً توسط حکومت‌ها و قدرت‌های حاکم بر جهان که از قدرت و ثروت و امکانات مادی برخوردارند بر مردم جهان تحمیل شده باشد.

وجود جبهه صالحین

آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد در آستانه ظهور، انسان‌های صالح نیز در جامعه هستند و با کمک و همراهی آنان جامعه عدل مهدوی شکل می‌گیرد. آیاتی چون «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور: ۵۵) دلالت بر این دارند که در آستانه ظهور، انسان‌های صالح و شایسته‌ای حضور دارند و خداوند وعده داده که همین‌ها وارثان و حاکمان زمین خواهند بود. در تفسیر آیه اول روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که نشان می‌دهد بندگان صالح، همان اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه در آستانه ظهور هستند (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۵۴۱؛ طبرسی ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۶) و در تفسیر آیه دوم، اهل ایمانی که به آنان وعده داده شده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه و اصحابش معرفی شده‌اند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۰) در روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام ذیل همین آیه اشاره شده که ایشان شیعیان اهل بیتند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ۲۳۹)

شهید صدر با اشاره به آیه ۵۴ سوره مائده که سخن از پیدایش گروهی مورد توجه خداوند در آینده دارد، (مائده: ۵۴) آنان را همان یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه معرفی می‌کند و با توجه به مضامین آیه، آنان را افرادی آگاه، مجاهد، شجاع، فداکار، عادل، باتقوا و عابد معرفی کرده

است. (صدر، ۱۳۸۴: ۳۰۰-۳۰۱) دقت در سخنان علامه طباطبایی که در ذیل همین آیه آمده، نشان می‌دهد، همان زمان که فساد و بی بند و باری جوامع را فرا می‌گیرد، خداوند گروهی از انسان‌های صالح را جهت اصلاح جامعه می‌فرستد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ۳۹۴-۳۹۵) بنابراین وجود انسان‌های صالح امری است که تقریباً در آن تردیدی وجود ندارد.

روایاتی که اشاره دارد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۳۱۳ نفر یاور دارد که از بهترین انسان‌های روی زمین هستند، به همین حقیقت اشاره دارند. روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد که نشان می‌دهد فضیلت دست‌یابی به قرار گرفتن در صف یاران و یا منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جز به پای‌بندی به ورع و اخلاق نیست. در این حدیث، آن حضرت ضمن اشاره به تقوا و پرهیزکاری می‌فرماید:

بی‌شک حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله تأسیس خواهد شد پس هر کس علاقه‌مند است که از اصحاب و یاران قائم ما باشد باید در عین حالی که منتظر است، کاملاً از خود مراقبت کند و تقوا پیشه کند، خودش را به اخلاق نیک مزین سازد، سپس انتظار فرج داشته باشد. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۰)

این حدیث صراحتاً وظیفه منتظران حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف را رعایت تقوا و پرهیزکاری شمرده و یکی از ارزشمندترین تأثیرات رعایت تقوا و پرهیزکاری را قرار گرفتن در زمره یاوران آن حضرت شمرده است. چنین خواسته‌ای طبیعتاً با عقیده انحرافی‌ای که معتقد است باید با انجام ظلم و فساد ظهور آن حضرت را پیش اندازیم مخالف است.

شهید مطهری رحمته الله ضمن اشاره به گروه صالح و زبده‌ای که به محض ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان ملحق می‌شوند، اشاره دارد این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و وجود آنها نشان می‌دهد در عین اشاعه ظلم و فساد چنین افراد صالحی نیز در جامعه وجود دارد. «این خود می‌رساند نه تنها حق و حقیقت به صفر نرسیده، بلکه اگر به فرض اهل حق از نظر کمیت قابل توجه نباشند از نظر کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمانند...» (مطهری، ۱۳۸۵: ب: ۵۶ یا ۶۲)

علاوه بر این‌ها روایتی نسبتاً طولانی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد که نشان می‌دهد در آستانه ظهور، هر چند غلبه با اهل باطل است و فساد و اباحی‌گری همه جا را فراگرفته، اما اهل حق و انسان‌های صالح نیز در جامعه هستند. در بخشی از این روایت آمده است:

هرگاه دیدید که دین وارونه شد و اهل باطل بر حق چیره شدند... منتظر فرج باشید. (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۸، ۳۸)

این بخش از روایت نشان می‌دهد قبل از ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف، هرچند چیرگی و غلبه با اهل باطل است اما اهل حق نیز در جامعه وجود دارند. در همین روایت به انسان‌های مؤمنی اشاره شده که به جهت بی‌توجهی به سخنان آنان صامت (ساکت) معرفی شده‌اند. (همو) این بخش از روایت به صراحت نشان می‌دهد که در عین وجود فساد و ظلم در جامعه که سرتاسر روایت به آن اشاره دارد، انسان‌های مؤمنی هم در جامعه هستند که به نوعی تسلیم شرایط دشوار جامعه شده‌اند و سخنان آنان خریدار ندارد.

در روایتی امام علی علیه السلام ضمن اشاره به هدایت عده‌ای و گمراهی عده‌ای دیگر در عصر غیبت، نیکان امت را هدایت‌شدگان می‌داند. براساس این روایت که اصبع بن نباته آن را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده، امام ضمن اشاره به قیام اصلاحی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را از عدالت پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است، به غیبت طولانی مدت آن حضرت اشاره کرده و می‌فرماید به جهت این غیبت طولانی، عده‌ای گمراه می‌شوند و عده‌ای از مسیر هدایت خارج نمی‌شوند. سپس حضرت دسته اخیر را بهترین افراد امت اسلام برشمرده است. (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۲۰۹؛ مسعودی، ۱۴۲۶: ۲۶۶) این روایت نیز مؤید این باور است که عصر غیبت هر چند زیاد هم طولانی شود، عده‌ای از انسان‌های نیک و شایسته هستند که از مسیر هدایت خارج نمی‌شوند.

به جز این در برخی از روایات به این نکته اشاره شده که در آستانه ظهور یا بلافاصله پس از ظهور، ده هزار نفر جهت همکاری با آن حضرت به ایشان ملحق می‌شوند. (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۸۲) در برخی از روایات نیز به خروج انسان‌های صالح همانند یمانی (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ۳۶۸؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۲۸) و کسانی که از مشرق مقدمات حکومت جهانی آن حضرت را فراهم می‌کنند (ابن حیون، ۱۴۰۹: ج ۳، ۳۶۵؛ طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۹۴؛ اربلی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۴۴۷) جهت کمک و همراهی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده است. طبیعتاً این افراد به تنهایی قیام نمی‌کنند و احتمالاً انسان‌های صالح زیادی به منظور یاری‌رسانی به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان همراه می‌شوند.

ضمن این که اندک توجهی به احادیثی که از پرشدن جهان از ظلم و بی‌عدالتی خبر می‌دهند، مؤید وجود انسان‌های دیگری است که اهل ظلم و بی‌عدالتی نیستند. به تعبیر شهید مطهری در این احادیث تکیه روی ظلم شده و سخن از گروه ظالم است که مستلزم وجود گروه مظلوم است.

علاوه بر این‌ها برخی از روایات به تشکیل حکومتی توسط انسان‌های صالح اشاره دارند که

پرچم این حکومت به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم می شود. امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

گویی می بینم مردمی در مشرق قیام و حق را طلب می کنند... آنان قیام می کنند و حکومت تشکیل می دهند و این حکومت و پیروزی را جز به صاحب شما (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل نمی دهند. کشته های آنان شهیدند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۳)

در این روایت امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف افرادی که در راه تشکیل حکومت جان خویش را از دست می دهند، «شهید» معرفی می کند که نشان می دهد در آستانه ظهور حضرت حجت انسان های صالحی وجود دارند که با قیام خویش حکومت تشکیل می دهند و نهایتاً پرچم این حکومت حق را به صاحب اصلی اش یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف تقدیم می کنند. به جز این روایت روایاتی که به پرچم های سیاه اشاره دارند، مؤید همین مطلبند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۲)

همه اینها نشان دهنده وجود جبهه ای از انسان های صالح است که در عین فراگیری ظلم و فساد در آستانه ظهور، در کنار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرند و در قیام اصلاحی آن حضرت نقش ایفا می کنند.

روایات مشعر به وظایف منتظران

روایات دیگری که به وظایف منتظران اشاره دارند نیز در جهت عکس دیدگاه کسانی هستند که معتقدند باید در آستانه ظهور با ظلم و فساد و تباهی همراه شد. در این روایات تقوا، خودسازی، تهذیب نفس و اطاعت از پروردگار از مشخصه های بارز منتظران ظهور معرفی شده اند و هیچ گاه گفته نشده که یکی از وظایف منتظران پر کردن جهان از ظلم و تباهی است. در کلام یکی از بزرگان آمده است:

آن که منتظر راستین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است، بر اثر تخلق به اخلاق الهی، گرد حرام نمی گردد و جاننش به گرد معصیت غبار نمی گیرد و در انجام واجبات و دوری از معصیت می کوشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۸۶)

در روایتی رسول خدا ﷺ دین داری انسان ها را در آخر الزمان^۱ مورد تشویق و تمجید قرار داده است. حضرت می فرماید:

هریک از آنان (مؤمنان) دین خویش را به سختی نگه می دارد چنان که گویی خار مگیلان را با پوست می کند یا آتش در دست دارد. (صفار، ۱۴۰۴: ۸۴)

۱. در این که مقصود از آخر الزمان دوره بعثت پیامبر اکرم ﷺ تا قیامت است یا زمانی که در آن منجی بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، تردید است. (اصغری، ۱۳۸۶: ۸۸)

در این روایت که ابوبصیر آن را از امام باقر علیه السلام نقل کرده، رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن اشاره به شوق خویش برای ملاقات با عده‌ای از انسان‌های آخر الزمانی، به سختی‌هایی که این گروه در حفظ دین تحمل می‌کنند اشاره کرده و به ستایش از آنان پرداخته است. امری که می‌تواند نشان‌گر این باشد که کمک و همراهی با ظالمان و اهل اباحه در آخر الزمان امری مطلوب دین نمی‌تواند باشد. روایت دیگری نیز از آن حضرت نقل شده که براساس آن پیروی از سیره امامان علیهم السلام خواسته آن حضرت معرفی شده است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۷) امام سجاد علیه السلام نیز در روایتی منتظران واقعی ظهور را بهترین انسان‌های زمان خویش، انسان‌هایی عاقل و فهمیده و دعوت‌کنندگان به دین الهی خوانده است. (همو: ج ۱، ۳۲۰) در روایتی امام صادق علیه السلام خطاب به ابوبصیر از اطاعت و حرف شنوی شیعیان منتظر ظهور سخن گفته است. (همو: ج ۲، ۳۵۷) امام صادق علیه السلام در روایت دیگری با صراحت می‌فرماید همانا صاحب این امر غیبتی خواهد داشت که بنده در زمان غیبتش باید تقوای الهی پیشه کند و به دین تمسک جوید. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۵) امام زمان علیه السلام در فرازی از توقیع خویش به شیخ مفید به لزوم انجام کارهای نیک و پرهیز از گناهان اشاره کرده است. (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۴۹۸) این روایات صراحتاً یکی از وظایف منتظران را رعایت تقوای الهی و دوری از گناه معرفی کرده‌اند.

به جز این موارد، روایات دیگری وجود دارد که امامان علیهم السلام به پیروان خویش سفارش کرده‌اند که در زمان غیبت، مواظب دین خود باشند. در روایتی که علی بن ابراهیم از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده، امام موسی کاظم علیه السلام ضمن اشاره به قیام اصلاحی حضرت حجت علیه السلام، به ثبات قدم برخی در زمان غیبت اشاره کرده و به تمجید از آنان پرداخته است. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۶۱) این روایات که از پایداری و ثبات قدم در دین سخن گفته، کاملاً در تضاد با دیدگاه کسانی هستند که معتقدند با کمک به ظلم و فساد، باید امر ظهور را پیش انداخت.

به جز این موارد، در برخی از ادعیه عباراتی آمده است که نشان می‌دهد خواسته منتظران واقعی ظهور، حرکت در مسیر پیروی از فرامین الهی است. عباراتی چون «وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ»، (کلینی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۴۲۴) «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ»^۱ و فقراتی از دعای عهد همانند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي... وَ الْمُؤْتَمِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ» (همو، ۵۵۱) همگی نشانگر این واقعیت‌اند که منتظران حضرت حجت علیه السلام می‌بایست در مسیر

۱. در سایر فقرات این دعا نیز توفیق طاعت از خداوند و دوری از گناهان از خداوند درخواست می‌شود. (کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۸۰)

اطاعت از خداوند باشند و طبیعتاً خواسته آنان، جهت ماندن در این مسیر، با همراه شدن با ظلم و اباحی‌گری و فساد همخوان نیست.

برخی از نویسندگان نه تنها معتقدند منتظران به هیچ روی نباید اهل ظلم و فساد باشند بلکه از وظیفه اصلاحی آنان سخن گفته‌اند. یکی از محققان اشاره دارد:

اگر بنا باشد انسان‌های منتظر برای نزدیکی ظهور هیچ حرکتی برای اصلاح اخلاقی دیگر افراد جامعه منتظر انجام ندهند و در مقابل ضد ارزش‌ها و فساد برنخیزند، چه کسی باید برای محقق شدن این وعده الهی گام بردارد و بستر و زمینه اجتماعی پذیرش تحقق دولت اخلاق را فراهم آورد. (محمدی منفرد، ۱۳۹۶: ۲۹)

نتیجه‌گیری

در برخی از روایات به فراگیر شدن ظلم و فساد و تباهی در آستانه ظهور حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریف اشاره شده است. این روایات هر چند ممکن است سبب این توهم شود که با توجه به فراگیر شدن ظلم و فساد در آستانه ظهور، بایستی با انجام گناه و ظلم و بی‌عدالتی و فساد سبب تسریع در امر ظهور شویم، اما از طرفی توجه به اصول و مبانی دینی، مؤید این امر است که هیچ‌کس در هیچ زمانی حق ندارد به هیچ بهانه‌ای دست به اباحی‌گری زده و از دستورات دینی تخلف کند. بررسی موضوع نشان می‌دهد روایاتی که از فراگیر شدن ظلم و فساد سخن می‌گویند در حقیقت شرایط سیاسی-اجتماعی جهان را در آستانه ظهور ترسیم می‌کنند. این روایات اشاره‌ای به وظیفه و تکلیف مردم ندارند. بر اساس اصول و آموزه‌های اسلام، مسلمانان موظف به مبارزه با بی‌عدالتی، رعایت عدالت در مناسبات فردی و اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر، پرهیزکاری و ترک گناهان، انجام اعمال شایسته و همکاری در کارهای نیک هستند. در برخی از روایاتی که به وظایف منتظران اشاره شده رعایت تقوا و پای‌بندی به دین و شریعت از مهم‌ترین وظایف ایشان دانسته شده است. از طرفی وجود جبهه صالحان در آستانه ظهور که روایات زیادی وجود آنان را تایید می‌کند و حتی اشاره شده که حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه‌الکریف با کمک آنان قیام اصلاحی خویش را انجام می‌دهد، دلیلی محکم است که ظلم و فساد، همگانی نیست. در حقیقت مراد از فراگیر شدن ظلم و فساد، شیوع آن است نه این‌که هیچ عدالتی نیست و هیچ انسان صالح و شایسته‌ای وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۰۹ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة والنهاية*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف*، قم، خیام، اول، ۱۴۰۰ ق.
- ابن هشام، عبدالملک، *السيرة النبوية*، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- احسائی، ابن ابی جمهور، *عوالی اللالی*، قم، بی نا، اول، ۱۴۰۵ ق.
- احمد بن حنبل، *مسند احمد*، بیروت، دار صادر، بی تا.
- اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة*، قم، رضی، اول، ۱۴۲۱ ق.
- اصغری، محمدجواد، *آخر الزمان*، فصل نامه کلام اسلامی، تابستان ۱۳۸۶.
- جواد ی آملی، عبدالله، *امام مهدی موجود موعود*، قم، اسراء، دوم، ۱۳۸۷.
- حاجی زاده، یدالله، *اخلاق نظامی در مکتب علوی و اندیشه های ماکیاولی*، فصل نامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- _____، *انجام خدعه و ترک غدر در سیره نظامی امام علی علیه السلام*، فصل نامه علمی-پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۰.
- خامنه ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، تهران، مرکز صهبا، هشتم، ۱۳۹۱.
- خزاز رازی، علی بن محمد، *کفایة الأثر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
- حلّی، حسن بن سلیمان، *المختصر*، بی جا، المكتبة الحیدریه، ۱۴۲۴ ق.
- زمخشری، محمود، *الکشاف*، بیروت، دارالکتاب العربی، سوم، ۱۴۰۷ ق.
- سوزنجی، حسین، *مهدویت و انتظار در اندیشه شهید مطهری*، قیسات، پاییز ۱۳۸۳.
- شوشتری، قاضی نورالله *إحقاق الحق*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ ق.
- صافی، لطف الله، *منتخب الأثر*، قم، دفتر مؤلف، اول، ۱۴۲۲ ق.
- صدر، سید محمد، *تاریخ پس از ظهور*، ترجمه حسن سجادیپور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴.
- _____، *تاریخ غیبت کبری*، ترجمه سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، دوم، ۱۳۸۲.

- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *ثواب الأعمال*، قم، منشورات الشریف الرضی، دوم، ۱۳۶۸ ش.
- _____، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.
- _____، *عیون أخبار الرضا* علیه السلام، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ ق.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- _____، *معانی الأخبار*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۹ ش.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین، پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الأوسط*، بی جا، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *احتجاج*، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، آل البيت، اول، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- _____، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الإمامة*، قم، بعثت، اول، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *تاریخ الطبری*، بیروت، دارالتراث، دوم، ۱۳۸۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- _____، *الغیة*، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ ق.
- عاملی، شیخ حر، *إثبات الهداة*، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
- فلاح، محمد جواد، *علائم و نشانه های ظهور با رویکرد آسیب شناسی اخلاقی*، مشرق موعود، پاییز ۱۳۹۶.
- کفعمی، *المصباح*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، سوم، ۱۴۰۳ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
- گوهری، عباس و دیمه کارگراب، محسن، «رسالت منتظران در زمینه سازی برای ظهور و تحقق دولت کریمه»، *فصل نامه علمی پژوهشی صحیفه مبین*، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- لاشینی، حسین، مدخل اباحی گری، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، دوم، ۱۳۷۴.
- ماکیاولی، نیکولو، *شهریار*، ترجمه داریوش عاشوری، تهران، مرکز نشر، ۱۳۷۵.

- مجذوب تبریزی، محمد، *الهدياتا لشيعه ائمه الهدى*، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، *دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب*، قم، دارالحديث، ۱۳۹۳.
- محمدی منفرد، بهروز، *راهبرد اخلاق انتظار*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ، اول، ۱۳۹۶.
- مسعودی، علی بن حسین، *اثبات الوصیه*، قم، انصاریان، سوم، ۱۴۲۶ ق.
- مطهری، مرتضی، *حماسه حسینی*، تهران، صدرا، هفتاد و هفتم، ۱۳۹۲.
- _____، *سیری در سیره ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الترتیب*، تهران، صدرا، ۱۳۸۷.
- _____، *سیری در سیره نبوی*، تهران، صدرا، سی و پنجم، ۱۳۸۵ الف.
- _____، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران، صدرا، سی ام، ۱۳۸۵ ب.
- مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الإسلام*، قم، آل البيت، دوم، ۱۳۸۵ ق.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ الف.
- _____، *الإرشاد*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ب.
- مکارم شیرازی، ناصر و سبحانی، جعفر، *پاسخ به پرسش های مذهبی*، قم، مدرسه علی بن ابیطالب عجل الله تعالی فرجه الترتیب، دوم، بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر، *حکومت جهانی مهدی*، قم، نسل جوان، پنجم، ۱۳۸۶.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۱.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیة*، تهران، صدوق، اول، ۱۳۹۷.
- الهيئة العلمية فی مؤسسة المعارف الاسلامية، *معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب*، قم، بنیاد معارف اسلامی، دوم، ۱۴۲۸ ق.
- واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت، موسسه الأعلمی، سوم، ۱۴۰۹ ق.
- یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت، دارصادر، بی تا.
- یوسف پور، محمد کاظم، *نقد صوفی*، تهران، روزنه، اول، ۱۳۸۰.
- یوسفی غروی، محمد هادی، «*ادعای گسترش فساد برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الترتیب مغالطه است*»، <http://fa.shafaqna.com/news/171757> مورخه ۱۳۹۶/۷/۱۸.

